

۱۸۵- (۴) العقل - الهوی/ العاقل - الجاهل: با هم متضاد هستند.

ترجمه: عقل و هوا همیشه در گیرند و عاقل با علمش بر نادان غلبه می‌کند.

بررسی دیگر گزینه‌ها:

(۱) لاتطع - یعصي

ترجمه: از کسی که از خدا نافرمانی می‌کند پیروی نکن اگرچه پدرت باشد.

(۲) ربح - الخسران

ترجمه: هیچ سودی مانند دوری از چیزی که باعث زیان می‌شود، نیست.

(۳) معارضاً - صديق

ترجمه: همانا دشمنی صاحب عقل، بهتر از دوستی صاحب مال است.

## تاریخ

۱۸۶- (۲) میراث‌های فرهنگی مصر باستان شامل شمار زیادی از اهرام، مومیایی‌ها، معابد و مقبره‌های صخره‌ای، مجسمه‌ها، نقوش، کتیبه‌ها و سرودها است

که همه در سایه‌ی عقاید دینی به وجود آمده‌اند. مصریان باستان به انواع اسطوره‌ها و خدایان اعتقاد داشتند.

۱۸۷- (۱) مشهورترین نبرد شاپور اول ساسانی با رومیان در زمان والرین، امپراتور روم، رخ داد که در آن، رومیان شکست خوردند و امپراتورشان اسیر

ایرانیان شد.

۱۸۸- (۳) پیامبر (ص) به منظور جذب نو مسلمانان مکی درون جامعه‌ی اسلامی به آن‌ها اجازه داد تا سپاه اسلام را در غزه‌ی حنین که اندکی بعد از فتح

مکه اتفاق افتاد، همراهی کنند.

۱۸۹- (۱) پیروزی الب ارسلان سلجوقی در جنگ ملازگرد بر امپراتور بیزانس در آسیای صغیر (ترکیه‌ی امروزی) زمینه را برای گسترش بیشتر اسلام و

همچنین زبان فارسی در آسیای صغیر فراهم کرد.

۱۹۰- (۴) شهرهای شمالی ایتالیا که خود را از تسلط دستگاه پاپ و امپراتوری مقدس روم خارج ساخته بودند، به صورت دولت - شهرهایی جدا از هم

درآمده و نه تنها تمایلی به وحدت نداشتند بلکه مدام نیز با هم در جنگ و جدال بودند. اشراف شهری، دولت - شهر مستقل خویش را بر یک

کشور وسیع یکپارچه ترجیح می‌دادند.

۱۹۱- (۲) جریان پان ترکیسم خواستار تجدید حیات عثمانی با اتکاء به نژاد ترک بود. تحت تأثیر این جریان، گروهی از نظامیان و روشنفکران ترک، نهضتی به

نام ترکان جوان به وجود آوردند. این جریان موفق شد پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی در طی جنگ جهانی اول، رهبری کشور ترکیه را

به‌دست گیرد.

۱۹۲- (۳) با خارج شدن عراق از پیمان بغداد، این پیمان به پیمان «سنتو» تغییر نام داد.

۱۹۳- (۴) ناصرالدین شاه پنهان از چشم روس‌ها و انگلیسی‌ها، قرارداد ساخت دو کشتی به نام پرسپولیس و شوش را با یک شرکت آلمانی منعقد کرد.

۱۹۴- (۱) محمدرضا شاه به دستور آمریکا برای جلوگیری از ایجاد حکومت اسلامی و ممانعت از پیروزی انقلاب اسلامی شاپور بختیار را که قبلاً عضو جبهه

ی ملی و از مخالفان بود، مأمور تشکیل کابینه کرد.

۱۹۵- (۴) پیام همه‌ی قیام‌هایی که مردم برپا کردند، تجدید عهد با رهبری انقلاب و افزایش تنفر نسبت به نظام شاهنشاهی بود. به این جهت جمشید

آموزگار مجبور شد تا در مرداد ۱۳۵۷ در اصفهان حکومت نظامی برقرار کند.

۱۹۶- (۳) یکی از تقویم‌های کهن، تقویم رومی است. در این تقویم هر سال دارای ۱۰ ماه بود و هر ماه به نام یکی از پهلوانان و خدایان اساطیری رومی

نام‌گذاری می‌شد.

۱۹۷- (۲) درباره‌ی یکی از تابلوهای رامبراند که متعلق به قرن هفدهم میلادی است، مدت‌ها اختلاف نظر وجود داشت تا این‌که با روش تعیین سن

بر اساس حلقه‌های تنه‌ی درختان سال‌یابی بوم چوبی آن انجام شد و مشخص شد که این زمان تقریباً درست است.

۱۹۸- (۳) در زمینه‌ی عقاید و آداب و رسوم مذهبی، تفکرات غالب فلسفی، نوع معیشت، شکل و شیوه‌ی داد و ستدهای اقتصادی، شیوه‌های معماری و

شهرسازی، روش‌ها و مسائل تعلیم و تربیت، شکل و نوع آلات موسیقی، مطالبی زنده و گویا در تابلوهای نقاشی یافت می‌شود.

۱۹۹- (۱) اسناد برای پژوهش‌های تاریخی همچون مصالحی هستند که مورخ با استفاده از آن‌ها به بازسازی تاریخ می‌پردازد. بنابراین پژوهش‌ها و تحلیل‌های

مورخ بدون مراجعه به اسناد و نسخه‌های خطی، کامل نخواهد بود.

۲۰۰- (۲) ناتوانی تمدن جدید غرب در ساختن دنیایی آرمانی و متعادل که مدعی آن بود و فقدان وحدت درونی که برای بقای آن ضرورت داشت،

موجب گردید تا در اواخر قرن نوزدهم، اندیشه‌ی بقای تمدن جدید غرب با تردیدهای اساسی روبه‌رو شود.



## جغرافیا

- ۲۰۱- (۲) مرودشت و ابراهیم‌آباد در زاگرس جنوب شرقی واقع شده‌اند.
- ۲۰۲- (۱) نشت هوای خشک و گرمای زیاد در اطراف مدار رأس‌السرطان و رأس‌الجدی مانع از ایجاد بارش می‌شود و بیابان‌های جنب حاره را ایجاد می‌کند؛ مانند صحرای آفریقا، دشت لوت و بیابان عربستان.
- ۲۰۳- (۲) شبکه‌ی آبراهه‌ی پرتراکم امکان انتقال آب بیشتری را فراهم می‌کند؛ در حالی که شبکه‌ی کم‌تراکم، بیشتر آب‌ها را در زمین نفوذ می‌دهد.
- ۲۰۴- (۳) رشد جمعیت جهان مانع از آن است که بین غذا و جمعیت تعادل مناسب برقرار شود. کشورهای واردکننده‌ی غلات و مواد غذایی که معمولاً کم درآمدند و به محصولات کشاورزی مناطق عمده‌ی تولیدکننده‌ی غلات نیاز دارند، با خطر جدی‌تری روبه‌رویند و به همین دلیل، امنیت غذایی ندارند؛ پس باید با کنترل رشد جمعیت و برنامه‌ریزی برای افزایش محصولات کشاورزی این مشکل را حل کنند.
- ۲۰۵- (۳) پراکندگی فضایی یعنی این‌که پدیده‌ها در چه مکان‌هایی به وقوع می‌پیوندند و چرا؛ مثلاً توجه جغرافیدانان به تجزیه و تحلیل علل وجود جنگل‌های تایگا در نواحی جنب قطبی بیانگر تأکید آن‌ها بر پراکندگی فضایی است.
- ۲۰۶- (۴) در تقسیم‌بندی کوپن، علامت اختصاری آب و هوای سرد D است و از نظر ویژگی بارشی، بارش در تابستان بیشتر از زمستان است.
- ۲۰۷- (۱) کوه‌های شرقی استرالیا جزء کوه‌های جوان بوده و دارای ویژگی‌های ظاهری مرتفع، دندان‌دار، پرشیب، نوک‌تیز و با دره‌های عمیق هستند.
- ۲۰۸- (۴) حوضه‌ی آمازون، آمریکای جنوبی، جنوب شرقی آسیا و حوضه‌ی کنگو در آفریقا از نظر پوشش گیاهی غالباً دارای جنگل‌های همیشه سرسبز با درختان پهن‌برگ هستند و گونه‌ها تنوع بسیار زیادی دارند.
- ۲۰۹- (۳) در سرزمین‌های قطبی، معادن شناخته‌شده‌ی طلا در مناطق آلاسکا و جنوبگان وجود دارند.
- ۲۱۰- (۲) جزیره‌ی ابوموسی از نظر ذخایر خاک سرخ و کیفیت نفت اهمیت فراوان دارد.
- ۲۱۱- (۴) در تحلیل ساختاری رابطه‌ی یک پدیده‌ی جغرافیایی با سایر پدیده‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- ۲۱۲- (۱) قبول فرضیه یا تأیید آن بر اساس یافته‌های پژوهش به ارائه‌ی پیشنهاد‌های جدید منجر می‌شود و گاه ممکن است سؤالات آغازین جدیدی را به وجود آورد.
- ۲۱۳- (۲) در دامنه‌های کم‌شیب، منحنی‌های میزان از یکدیگر فاصله دارند و برعکس، در دامنه‌های پرشیب، منحنی‌های میزان بسیار فشرده و به هم نزدیک‌اند. دایره‌های موجود در تصویر داده شده نیز قله‌ها را نشان می‌دهند. بنابراین گزینه‌ی (۲) صحیح است.
- ۲۱۴- (۳) نرم‌افزار کاوش در آسمان و نرم‌افزار Pc globe جزء نرم‌افزارهای شناخت منظومه‌ی شمسی و سیارات هستند که با استفاده از تصاویر و مطالب جذاب، اطلاعات و آموزش‌های مناسبی را در اختیار علاقه‌مندان به جغرافیای ریاضی قرار می‌دهند.
- ۲۱۵- (۴) عوامل مختلفی در روند بیابان‌زایی ایران مؤثرند که به ترتیب از بیشترین درصد سهم اثرگذاری عبارت‌اند از: تخریب مراتع (۴۶٪)، برداشت بی‌رویه‌ی آب از سفره‌های آب زیرزمینی (۲۶٪)، تخریب اراضی کشاورزی (۱۱٪)، تخریب جنگل (۱۰٪) و استخراج معادن (۷٪).

## علوم اجتماعی

- ۲۱۶- (۴) یادگرفتن درس ← طبیعی یا غیر ارادی و درونی (ج، د) شکست ناشی از تصمیم احساسی ← طبیعی یا غیر ارادی و درونی (ج، د)
- قبولی در امتحان ← ارادی و بیرونی (الف)      نشاط پس از ورزش ← طبیعی یا غیر ارادی و درونی (ج، د)
- ۲۱۷- (۱) کنش‌هایی که با توجه به دیگران انجام می‌دهیم، کنش اجتماعی خوانده می‌شود. اجتماعی بودن کنش به این است که آگاهی و اراده‌ی آدمی ناظر به دیگران و ویژگی‌ها و اعمال آن‌هاست. پیامدهای طبیعی یا غیرارادی کنش انسانی به اراده‌ی فرد انسانی وابستگی ندارد. ارزش‌های اجتماعی آن دسته از ارزش‌هایی هستند که مورد توجه و پذیرش همگان بوده و افراد یک جامعه نسبت به آن‌ها گرایش و تمایل دارند. هنجارها و ارزش‌ها بعد از آن که از طریق کنش‌های اجتماعی انسان‌ها تحقق پیدا کنند، با تعلیم و تربیت، پدیده‌ی جامعه‌پذیری و با تشویق و تنبیه، پدیده‌ی کنترل اجتماعی را ایجاد می‌کنند. در یک ایستگاه مترو، عده‌ای از مسافران بدون رعایت حق تقدم به سمت درها هجوم آوردند (کنش اجتماعی). دو مسافر سالمند از قطار جا ماندند (پیامد طبیعی یا غیرارادی کنش اجتماعی). جوانی که شاهد این صحنه بود، متأثر شده (ارزش اجتماعی) و به مأمور ایستگاه اعتراض کرد که در مورد رعایت نوبت به مسافران تذکر دهد (کنترل اجتماعی).
- ۲۱۸- (۱) علم اجتماعی هنگامی که با استفاده از عقل و وحی، توان داورى درباره‌ی ارزش‌های اجتماعی را پیدا می‌کند، با حفظ هویت علمی خود، وظیفه‌ی تدبیر اجتماعی را بر عهده می‌گیرد.
- ۲۱۹- (۱) امنیت اجتماعی ← ذهنی، کلان و نامحسوس / منطقه‌ی شهری ← خرد، محسوس و عینی / تحقیقات دانش‌آموزی ← عینی، خرد و محسوس

## ۲۲۰- (۳) بررسی گزینه‌ها:

۱) شناخت حسی - شناخت عمومی - نادرست (از انواع شناخت علمی است نه استدلالی).

۲) شناخت علمی - شناخت حسی - شناخت حسی و عقلی

۳) شناخت حسی - شناخت عمومی - شناخت شهودی

۴) نادرست (با پرسش از شناخت عمومی، شناخت علمی نسبت به ... - شناخت علمی - شناخت شهودی

## ۲۲۱- (۱)

اگر علوم انسانی گرفتار مشکل شوند، انسان از تدبیر زندگی خود و از شناخت ارزش‌ها و آرمان‌هایی که باید دنبال نماید، باز می‌ماند. طبق روش جامعه‌شناسی انتقادی این نوع جامعه‌شناسی به شناخت حسی و تجربی بسنده نمی‌کند بلکه سطوح دیگری از معرفت و عقلانیت را برای شناخت علمی به رسمیت می‌شناسد؛ به همین دلیل، داورهای ارزشی را نیز جزء علوم اجتماعی می‌داند. جامعه‌شناسی، این بخش از دانش، یعنی داورهای ارزشی خود را با روش‌ها و استدلال‌های غیرحسی و غیرتجربی دنبال می‌کند. هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورد. بر اساس این دیدگاه جهان‌های اجتماعی مختلف در عرض یکدیگرند نه در طول هم.

## ۲۲۲- (۲)

مرگ طبیعی یک فرهنگ هنگامی رخ می‌دهد که آن فرهنگ با وجود به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های خود، با هویت جسمانی و معنوی افراد اصطکاک پیدا کند و از پاسخ به نیازهای طبیعی و جسمانی یا فطری و معنوی آن‌ها باز ماند. فرهنگی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند و پرسش‌های وجودی آدمیان را درباره‌ی معنای زندگی و مرگ پاسخ ندهد و در مسیر غفلت از این پرسش‌ها روزگار بگذراند یا با شکاکیت و پوچ‌انگاری مواجه شود، نشاط زندگی را از دست می‌دهد و با انواع مختلف آسیب‌ها مانند یأس، ناامیدی و خودکشی افراد روبرو می‌شود. فرهنگی که نتواند نیازهای جسمانی و طبیعی آدمیان را سازمان دهد، با بحران‌های زیست‌محیطی و اقتصادی و معیشتی به بن بست می‌رسد.

## ۲۲۳- (۴) بررسی گزینه‌ها:

۱) تأثیر نظام سیاسی بر نظام اقتصادی - تأثیر نظام سیاسی بر نظام فرهنگی - تأثیر نظام فرهنگی بر نظام اقتصادی

۲) تأثیر نظام سیاسی بر نظام اقتصادی - تأثیر نظام سیاسی بر نظام فرهنگی - تأثیر نظام فرهنگی بر نظام اقتصادی

۳) تأثیر نظام اقتصادی بر نظام سیاسی - تأثیر نظام فرهنگی بر نظام سیاسی (یا اقتصادی) - تأثیر نظام اقتصادی بر نظام سیاسی

۴) تأثیر نظام سیاسی بر نظام اقتصادی - تأثیر نظام فرهنگی بر نظام سیاسی - تأثیر نظام فرهنگی بر نظام سیاسی (یا اقتصادی)

## ۲۲۴- (۳)

از بین رفتن قدرت مقاومت یک فرهنگ ← مسؤولیت و تعهد

گرفتاری انسانیت در بحران‌های روحی و روانی ← معنویت

نداشتن معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف ← حقیقت

## ۲۲۵- (۴)

استبداد استعماری به دلیل این که در سایه‌ی قدرت و سلطه‌ی جهان غرب عمل می‌کند، در جهت گسترش نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب، چاره‌ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی ندارد. امپریالیسم فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه‌ی دیگر قرار گرفته است فرو ریزد و قوم مغلوب، برتری فرهنگی جامعه‌ی مسلط را نیز بپذیرد.

## ۲۲۶- (۲)

شکل‌گیری انقلاب فرانسه ← مرحله‌ی اول (پیدایش قدرت‌های سیاسی سکولار)

نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جوامع غیرغربی ← مرحله‌ی چهارم (ادغام جوامع در نظام جهانی استعمار)

تشکیل دولت - ملت‌ها ← مرحله‌ی اول (پیدایش قدرت‌های سیاسی سکولار)

## ۲۲۷- (۳)

اگر افراد یک جامعه مبهوت و مقهور جامعه‌ی دیگر شوند و در نتیجه‌ی آن، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند، در آن جامعه خودباختگی فرهنگی رخ می‌دهد. بسیاری از منتقدان نگران این هستند که تجمع و تمرکز قدرت رسانه در دست چند شرکت یا چند فرد قدرتمند موجب تضعیف ساز و کارهای دموکراسی می‌شود. پرسش از مبانی علوم تجربی غربی در حقیقت پرسش از بنیان‌های هویتی فرهنگ غرب و پرسش از لایه‌های عمیق این فرهنگ بود و با این پرسش، بحران معرفتی - علمی در دو بعد ظاهر شد.

## ۲۲۸- (۲)

اصالت بخشیدن به انسان دنیوی و این‌جهانی در طول قرن بیستم به پوچ‌گرایی (نیپیلیسم)، یأس و ناامیدی و به مرگ آرمان‌ها و امیدها منجر شد. طی قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ عموم مردم خارج نشد، بلکه سال‌های پایانی قرن بیستم شاهد بازگشت مجدد نگاه معنوی و دینی در سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بود. بعضی از این موج بازگشت که نشانه‌ی بحران معنویت در فرهنگ غرب است، با عنوان افول سکولاریسم یاد کردند و برخی دیگر عنوان پساکولاریسم را برای آن به کار بردند. انکار و تردید در روشنگری به منزله‌ی انکار و تردید در هویت معرفت‌شناختی جهان مدرن بود. دانشمندانی را که در اصل روشنگری علم مدرن تردید کردند، دانشمندانی می‌دانند که از اصول جهان مدرن عبور کرده‌اند و به فراسوی آن راه برده‌اند و به همین دلیل آن‌ها را پسامدرن می‌خوانند.



- (۱) - ۲۲۹ در هم ریختن نظم پیشین در حکومت منورالفکران غرب زده در کشورهای اسلامی به بهانه‌ی رسیدن به جایگاه کشورهای غربی انجام می‌شود اما در عمل به جای رسیدن و نزدیک شدن به کشورهای غربی خصوصیات کشورهای پیرامونی و استعمارزده را پیدا می‌کنند و این مسأله اعتراض برخی از نخبگان این کشورها را که به شاخص‌های دولت‌های غربی چشم دوخته‌اند، به وجود می‌آورد.
- (۴) - ۲۳۰ در جریان انقلاب مشروطه رقابتی سخت بین بیدارگران اسلامی و منورالفکران غرب‌زده به وجود آمد. بعد از مرگ جمال عبدالناصر در زمان انورسادات دولت مصر در قرارداد کمپ دیوید، اسرائیل را به رسمیت شناخت و این مسأله به نوبه‌ی خود، موضع گروه‌های فلسطینی را تضعیف کرد. با انقلاب فرانسه دولت‌هایی شکل گرفت که به طور رسمی گسست خود را از دین اعلام کردند.
- (۳) - ۲۳۱ الف) بیداری اسلامی حاصل انتقال بیداری از سطح نخبگان به متن مردم و فرهنگ عمومی جامعه‌ی اسلامی است. ج) به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ و انطباق دادن افراد با انتظارات جامعه انجام می‌شود کنترل اجتماعی می‌گویند. د) شناخت شهودی در هر سه معیار ابزار، منبع و روش با شناخت حسی و عقلی تفاوت دارد. شناخت شهودی، خود، از انواع شناخت علمی است.
- (۳) - ۲۳۲ فرهنگ‌های مشترکانه‌ی اساطیری و فرهنگ‌های سکولار و دنیوی آدمی را نه تنها از حقیقت جهان بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می‌گردانند. خودباختگی فرهنگی یک آسیب عمیق فرهنگی است که مانع تعامل و داد و ستد فرهنگی می‌شود. در جهان غرب سکولاریسم به صورت جهان‌بینی غالب درآمده است؛ به گونه‌ای که دینداران، ناگزیر، رفتارها و هنرهای دینی خود را با تفاسیر دنیوی و این جهانی توجیه می‌کنند.
- (۱) - ۲۳۳ وقتی که قدرت بر اساس حکم و قانون الهی بر فردی اعمال شود که به اکراه آن را می‌پذیرد، قدرت مشروع فاقد مقبولیت است؛ مانند اخراج کارمند خاطی از اداره. قدرت سیاسی جوامع اسلامی که تا قبل از استعمار، بیش‌تر ریشه در مناسبات قومی و قبیله‌ای داشت، در دوران استعمار، از طریق سازش با دولت‌های غربی، با قدرت استعمارگران پیوند خورد و این مسأله سبب شد تا استبداد ایلی و قومی به صورت استبداد استعماری درآید. روشنگری در معنای خاص ناظر به مبنای معرفت‌شناختی پذیرفته شده در فرهنگ غرب است و در این معنا، روشی از معرفت و شناخت است که با دو مبنای سکولاریسم و اومانیزم همراه شده است.
- (۲) - ۲۳۴ آسیب مهم رویکرد عقلی به علوم اجتماعی هنگامی رخ می‌دهد که این رویکرد شناخت را فقط به معرفت عقلی محدود کند و منکر ارزش علمی شناخت حسی و شهودی شود. لیبرال دموکراسی وقتی با مردمی مواجه می‌شود که ارزش‌های دیگر نظیر عدالت را مهم‌تر از ارزش آزادی می‌دانند یا حقیقت را به اراده‌ی الهی باز می‌گردانند و از مسؤولیت انسان در برابر این حقیقت سخن می‌گویند، دچار تناقضی می‌شود که از حل نظری آن عاجز است. انتقال بحران به قشر محروم و مستضعف جامعه می‌تواند موجب تحریک آنان شود و هم‌چنین مقاومت محرومان نیز می‌تواند به دامنه‌ی بحران بیفزاید و یک بحران اقتصادی در صورتی که کنترل نشود، می‌تواند به فروپاشی نظام‌های سیاسی منجر شود.
- (۳) - ۲۳۵ اشتراک نظر هیتلر و هانتینگتون ← وقوع جنگ در جوامع غربی  
اشتراک نظر کنت و دیلتای ← موضوع جامعه‌شناسی  
اشتراک نظر مارکس و مالتوس ← نظریه‌ی اقتصادی

## فلسفه و منطق

- (۱) - ۲۳۶ صندلی اتومبیل از اتاق آن کوچک‌تر است ← بدهت / مواد شیرین دارای قند هستند ← تجربه‌ی علمی / فکر در مغز جای دارد ← وهم
- (۲) - ۲۳۷ گسترده‌ترین مفهوم نسبت به مکعب، کلی‌ترین مفهوم است. چون مکعب جسمانی نیست و یک مفهوم ذهنی است، گزینه‌ی (۱) رد می‌شود. از بین سایر گزینه‌ها کلی‌ترین‌ها به ترتیب عبارتند از مقدار، دارای ابعاد و شش وجهی.
- (۳) - ۲۳۸ علت و معلول: بعضی علت‌ها معلول هستند؛ بعضی علت‌ها معلول نیستند (مانند خداوند)؛ بعضی معلول‌ها علت هستند؛ بعضی معلول‌ها علت نیستند ← عموم و خصوص من‌وجه
- واجب بالغير و ممکن بالذات: هر واجب بالغيری ممکن بالذات است؛ بعضی ممکن بالذات‌ها واجب بالغير هستند (به واسطه‌ی داشتن علت)؛ بعضی ممکن بالذات‌ها واجب بالغير نیستند (به واسطه‌ی نداشتن علت و در همان مرحله‌ی ممکن بالذات می‌مانند و موجود نمی‌شوند) ← عموم و خصوص مطلق
- واجب بالغير و واجب بالذات: هیچ واجب بالغيری واجب بالذات نیست؛ هیچ واجب بالذاتی واجب بالغير نیست ← تباین
- تذکر: ۱- همه‌ی عالم به جز خداوند، ممکن بالذات هستند ۲- واجب بالذات فقط خداوند است ۳- هر پدیده‌ای که موجود شده است، ممکن بالذات و واجب بالغير (غير یعنی علت و بالغير یعنی به واسطه‌ی علت) است.
- (۱) - ۲۳۹ اگر قرار باشد، جسم، جنس همه‌ی مفاهیم یک‌گزینه باشد، باید مصداق همه‌ی آن مفاهیم جسمانی باشد. در گزینه‌ی (۲) مکعب، در گزینه‌ی (۳) حرکت و در گزینه‌ی (۴) سیاهی، جسمانی نیستند.

رسم ناقص از جنس بعید و عرض خاص ساخته می‌شود. (۴) - ۲۴۰

بررسی گزینه‌ها:

(۱) جنس بعید + فصل ← حد ناقص / جنس بعید + عرض خاص ← رسم ناقص

(۲) جنس بعید + عرض خاص ← رسم ناقص / جنس قریب + عرض خاص ← رسم تام

(۳) تعریف نادرست؛ زیرا مثلث، سطح است نه خط. / جنس بعید + فصل ← حد ناقص

(۴) جنس بعید + عرض خاص ← رسم ناقص / جنس بعید + عرض خاص ← رسم ناقص

تذکر: ۱- منظور از «دارای سه گوشه» همان «دارای سه زاویه» است ۲- منظور از «کمیت» همان «مقدار» است ۳- منظور از «متصل» همان «پیوسته» است.

بررسی گزینه‌ها: (۲) - ۲۴۱

(۱) جمله‌ی انشایی (از نوع امری) - جمله‌ی انشایی (از نوع نهی)

(۲) قضیه‌ی شرطی با ترتیب مقدم و تالی - قضیه‌ی شرطی با ترتیب مقدم و تالی

(۳) قضیه‌ی شرطی با ترتیب تالی و مقدم - قضیه‌ی شرطی با ترتیب مقدم و تالی

(۴) قضیه‌ی شرطی با ترتیب تالی و مقدم - قضیه‌ی شرطی با ترتیب مقدم و تالی

منفصل مانع‌الجمع قضیه‌ای است دارای دو شرط: ۱- محال بودن درستی دو طرف قضیه ۲- امکان نادرستی دو طرف قضیه یا درستی یک طرف و نادرستی طرف دیگر. (۴) - ۲۴۲

بررسی گزینه‌ها:

(۱) یک مفهوم نمی‌تواند هم جزئی باشد هم کلی. همچنین نمی‌تواند نه جزئی باشد نه کلی. بلکه باید بالاخره یکی از این دو باشد. بنابراین نمی‌توان با این دو مفهوم، یک منفصل مانع‌الجمع ساخت؛ زیرا شرط دوم را ندارد. البته می‌توان با این دو مفهوم، یک منفصل حقیقی ساخت.

(۲) یک مفهوم می‌تواند هم کلی باشد هم ذاتی؛ مانند مفهوم «حیوان» که هم کلی است و هم ذاتی انسان. بنابراین نمی‌توان با این دو مفهوم، یک منفصل مانع‌الجمع ساخت؛ زیرا شرط اول را ندارد.

(۳) یک قضیه می‌تواند هم حملیه باشد هم محصوره؛ مانند قضیه‌ی «بعضی انسان‌ها هنرمند هستند» که هم حملی است و هم محصوره؛ زیرا دارای سور «بعضی» است. بنابراین نمی‌توان با این دو مفهوم، یک منفصل مانع‌الجمع ساخت؛ زیرا شرط اول را ندارد.

(۴) یک مفهوم نمی‌تواند هم ذاتی باشد هم عرض عام (زیرا عرض عام، یک مفهوم عرضی است نه ذاتی) اما می‌تواند نه ذاتی باشد نه عرض عام بلکه عرض خاص باشد. بنابراین می‌توان با دو مفهوم «ذاتی» و «عرض عام» یک قضیه‌ی منفصل مانع‌الجمع ساخت به این صورت: «مفهوم یا ذاتی است یا عرض عام».

بررسی گزینه‌ها: (۲) - ۲۴۳

(۱) بعضی الف غیر ب نیست  $\leftarrow$  عکس نقیض (صادق)  $\leftarrow$  بعضی ب الف است  $\leftarrow$  عکس مستوی (صادق)  $\leftarrow$  بعضی الف ب است  $\leftarrow$  تداخل (صادق یا کاذب)  $\leftarrow$  هر الف ب است

(۲) بعضی الف غیر ب نیست  $\leftarrow$  عکس نقیض (صادق)  $\leftarrow$  بعضی ب الف است

(۳) بعضی الف غیر ب نیست  $\leftarrow$  تداخل تحت تضاد (صادق یا کاذب)  $\leftarrow$  بعضی الف غیر ب است

(۴) بعضی الف غیر ب نیست  $\leftarrow$  تداخل (صادق یا کاذب)  $\leftarrow$  هیچ الف غیر ب نیست

مقدمات استدلال، لزوماً یقینی و برهانی نیستند بلکه ممکن است منشأ اعتقاد به آن‌ها، تجربه‌ی علمی، اطلاعات تاریخی، حواس، بدهات و ... باشد. (۳) - ۲۴۴

شرایط انتاج شکل دوم عبارت است از: ۱- اختلاف دو مقدمه در سلب و ایجاب (کیف) ۲- کلی بودن کبرا. (۲) - ۲۴۵

حال، ضروب منتج شکل دوم را می‌نویسیم:

ضرب اول: هر الف ب است؛ هیچ ج ب نیست  $\leftarrow$  هیچ الف ج نیست

ضرب دوم: هیچ الف ب نیست؛ هر ج ب است  $\leftarrow$  هیچ الف ج نیست

ضرب سوم: بعضی الف ب است؛ هیچ ج ب نیست  $\leftarrow$  بعضی الف ج نیست

ضرب چهارم: بعضی الف ب نیست؛ هر ج ب است  $\leftarrow$  بعضی الف ج نیست

ضرب سوم و چهارم که نتیجه‌ی سالبه‌ی جزئیه دارد، ضرب مورد نظر سؤال است. اکنون گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم:

(۱) در ضرب چهارم، کبرا سالبه نیست بلکه موجهی کلی است.

(۲) با توجه به ضرب سوم و چهارم ملاحظه می‌کنیم که صغرا جزئیه است.

(۳) در ضروب منتج شکل دوم قیاس اقتراعی، کبرا حتماً باید کلیه باشد نه جزئیه.

(۴) در شکل دوم، کبرا (مقدمه‌ی دوم) باید حتماً کلی باشد نه جزئی. بنابراین نمی‌توانیم حتی احتمال بدهیم که مقدمه‌ی دوم جزئی باشد.



- ۲۴۶- (۱) مغالطه‌ی ایهام انعکاس در جایی رخ می‌دهد که قواعد عکس را رعایت نکنیم. عبارت «هیچ انسانی غیر ناطق نیست» یک قضیه‌ی سالبه‌ی کلی است که باید به موجهی جزئی (بعضی ناطق‌ها انسان هستند) عکس نقیض شود نه موجهی کلی (هر ناطقی انسان است). بنابراین در این جا دچار مغالطه‌ی ایهام انعکاس شده‌ایم.
- ۲۴۷- (۴) هر وقت ما یک جنبه از خصوصیت‌های اشیاء را مورد نظر قرار دهیم، در این حال، سر و کار ما با یکی از علوم است اما اگر زمانی به «بودن» اشیاء و اصل «هستی» آن‌ها با قطع نظر از چه چیز بودن و اختلاف آن‌ها توجه کردیم، در آن هنگام قدم در عرصه‌ی مابعدالطبیعه (فلسفه) نهاده‌ایم.
- ۲۴۸- (۳) به عقیده‌ی پروتاگوراس، همه چیز نسبی و موقتی است و حقیقت به معنای دانشی پایدار و ثابت هرگز به دست نمی‌آید. شعار او این بود که «انسان معیار همه چیز است»؛ یعنی چون همگان نمی‌توانند در هیچ اصل مشترکی به نام حقیقت به وحدت نظر برسند، پس حقیقت جنبه‌ی خصوصی و شخصی دارد و هر کس هر چه بیندارد و تخیل کند، برای او حقیقت است.
- تذکر: شاید دلیل طراح برای غلط بودن گزینه‌ی (۳)، آوردن قید «معمولاً» باشد. در غیر این صورت باید گفت دلیل غلط بودن این گزینه این است که سخن پروتاگوراس این نیست که «هر کسی تصورات خود را حقیقت می‌داند» بلکه نظر او این است که «حقیقت، آن چیزی است که هر کس تصور کند و بیندارد». به تفاوت ظریف این دو جمله دقت کنید.
- ۲۴۹- (۱) سقراط با روشی معتدل و بیانی استوار و مطمئن، انسان‌ها را به تأمل در نفس خویشتن دعوت می‌کرد تا در درون خود گوهر الهی عقل را کشف کنند.
- ۲۵۰- (۴) شناخت حقیقی چیست؟ ← کدام یک از آگاهی‌هایی که ما به دست می‌آوریم، از اعتبار بیشتری برخوردار است؟  
شناخت حقیقی به چه چیزی تعلق می‌گیرد؟ ← آگاهی به چه اموری مربوط می‌شود؟  
ارسطو به ما می‌آموزد که برای توجیه عقلانی هر پدیده‌ای می‌توان از علل اربعه استفاده کرد.
- ۲۵۱- (۱) طرح مباحث وجودشناسی در معارف الهی، هرگز ماهیت این مباحث را دگرگون نمی‌کند؛ یعنی هر چند این مباحث منشأ آسمانی دارند و حاصل اندیشه‌ی فیلسوفان نیستند اما محتوایی فلسفی دارند و مواضع نظری دین را درباره‌ی جهان هستی بیان می‌کنند.
- ۲۵۲- (۱) اگر مفهوم وجود، عین مفهوم ماهیت یا جزء آن بود، دیگر اثبات وجود هیچ ماهیتی به دلیل، نیاز نداشت و تصور هر ماهیتی (حتی ماهیت‌ها و امور خیالی) برای اثبات وجود آن کافی بود؛ یعنی همه‌ی تصورات ما حتی امور خیالی نیز واقعاً وجود خواهند داشت.
- ۲۵۳- (۱) علت (تامه) ضرورت بخش معلول و وجود دهنده‌ی آن است. در صورت وجود علت، معلول وجود خواهد داشت و در صورت نبود علت، معلولی نخواهیم داشت. بنابراین حالتی غیر از وجود معلول (در صورت وجود علت) و عدم معلول (در صورت عدم علت) وجود نخواهد داشت و حالت سومی متصور نیست و این همان اصل وجوب علی و معلولی است.
- ۲۵۴- (۳) به نظر ابن‌سینا، طبیعت هر شیء، آن را به سوی خیر و کمال سوق می‌دهد به شرطی که موانعی در راه طبیعت قرار نگیرد.
- ۲۵۵- (۲) معتزله وجود «کرام‌الکاتبین» را انکار می‌کردند. دلیل آن‌ها این بود که خداوند از همه‌ی اعمال بندگان کاملاً آگاه است و به حضور فرشتگان نیازی نیست.
- ۲۵۶- (۴) سهروردی از طریق قاعده‌ی امکان اشرف، یک رشته‌ی عرضی از انوار را اثبات می‌کند که هم‌رتبه و هم‌درجه‌اند و نسبت به یکدیگر، جنبه‌ی وجودبخشی و علیت ندارند. او این طبقه از انوار قاهر را که تدبیر همه‌ی امور عالم طبیعت به عهده‌ی ایشان است، ارباب انواع می‌نامد.
- ۲۵۷- (۳) متکلمان غالباً استدلال خود را بر اساس حسن و قبح استوار می‌کنند.
- ۲۵۸- (۲) صدرا المتألهین انکار حرکت جوهری و ترس از گم شدن متحرک را از آثار عقیده به اصالت ماهیت می‌داند.
- ۲۵۹- (۲) از نظر علامه طباطبایی، رابطه‌ی علیت از طریق علم حضوری و بی‌واسطه‌ی نفس به احوال و حالت‌ها و اراده‌های خود ادراک می‌شود و از معلوم بالذات نشأت می‌گیرد؛ یعنی انسان نخستین بار در خود نفس و در ساحت علم حضوری، رابطه‌ی علیت را کشف می‌کند.

## روان‌شناسی

- ۲۶۱- (۴) ممکن است برخی از نوجوانان چنین احساس کنند که هرگز قربانی خطرپذیری‌ها (ریسک‌ها) نخواهند شد و این دیگران هستند که در مقابل خطرپذیری‌ها آسیب‌پذیرند. بنابراین، به غلط، خود را در حاشیه‌ای امن قرار می‌دهند. این همان ویژگی شکست‌ناپذیری است.
- ۲۶۲- (۲) افلاطون قرن‌ها پیش، از حافظه و اطلاعات به قفس و پرنده تعبیر کرد: پرنده را به سه علت نمی‌توان از قفس گرفت: شاید از ابتدا پرنده در قفس وارد نشده باشد. شاید پرنده در طول اقامت خود در قفس مرده باشد، یا شاید پرنده در قفس باشد ولی در میان هزاران پرنده‌ی دیگر، نتوان آن را پیدا کرد. اینکه نمی‌توان پرنده را پیدا کرد، یعنی نمی‌توان به اطلاعات دسترسی پیدا کرد و این همان فراموشی اطلاعات است.
- ۲۶۳- (۳) حافظه‌ی حوادث خاص (رویدادی) به دانش اختصاصی فرد گفته می‌شود و اطلاعاتی را دربرمی‌گیرد که فرد در زمان و مکان معینی آن‌ها را تجربه‌ی شخصی کرده است.
- ۲۶۴- (۲) با توجه به نمودار رابطه‌ی سن مادر با میزان مرگ و میر نوزاد، می‌توان گفت مناسب‌ترین بازه‌ی سنی برای بارداری مادران ۲۰ تا ۳۰ سالگی است.
- ۲۶۵- (۳) فرضیه، یک حدس اولیه‌ی قابل بررسی تجربی درباره‌ی پدیده‌ای خاص، پس از مشاهدات اولیه است. فرضیه به صورت جمله‌ی خبری بیان می‌شود نه جمله‌ی پرسشی.







## سراسری خارج از کشور ۹۵

### زبان و ادبیات فارسی

- ۱- (۱) معنی درست واژه‌ها: بهره: حَقّ مالک، قسمت صاحب زمین / اعظام: بزرگان، بزرگتران
- ۲- (۳) معنی درست واژه‌ها: تتّمّه: به‌جای مانده، باقی‌مانده‌ی چیزی / چارق: کفش چرمی / دزاعه: جَبّه، جامه‌ی بلند که زاهدان و شیوخ پوشند، بالاپوش / غازه: گلگونه، سرخاب
- ۳- (۱) بررسی معنی واژه‌ها: جرگه: گروه، زمره / سورت: تندى، تیزی، شدّت اثر / دهري: بی‌دین، زندق، ملحد / غریبه: نو، عجیب، شگفت
- ۴- (۳) املاى درست واژه‌ها: ب) صلاح: خیر، نیکی (سلاح: جنگ‌افزار) / ج) ملاهی: جمع ملهی، آلات لهو (مَلّاح: دریانورد)
- ۵- (۴) املاى درست واژه: زَلال: روان و جاری (ضلال: گمراهی)
- ۶- (۱) بررسی آثار سؤال:
- نصاب‌الصّبیان: ابونصر فراهی / موضوع: تعلیم لغت  
الکشاف [فی تفسیر القرآن]: جارالله ابوالقاسم محمود زمخشری / موضوع: تفسیر قرآن  
خسی در میقات: جلال آل‌احمد / موضوع: سفرنامه
- ۷- (۴) بررسی آثار:
- رجعت سرخ ستاره: علی معلّم  
ظهر روز دهم: قیصر امین‌پور (آثار دیگر: در کوچی آفتاب، آینه‌های ناگهان، تنفّس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو)  
از آسمان سبز: سلمان هراتی (آثار دیگر: از این ستاره تا آن ستاره، دری به خانه‌ی خورشید)  
از گلوی کوچک رود: مصطفی علی‌پور
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۱) ظهر روز دهم: قیصر امین‌پور / آینه‌های ناگهان: قیصر امین‌پور ۲) سفر سوختن: فاطمه راکعی  
۳) در کوچی آفتاب: قیصر امین‌پور
- ۸- (۴) منطق الطّیر از آثار منظوم عطّار است.
- ۹- (۲) بررسی آرایه‌ی «پارادوکس» در سایر گزینه‌ها:
- ۱) توأم بودن اسارت و آزادی / توأم بودن سلطنت و گدایی ۳) زبان بودن بی‌زبانی  
۴) این‌که دعوی هستی دلیل نیستی باشد. / توأم بودن فانی بودن و موجود بودن
- ۱۰- (۳) بررسی آرایه‌ها در بیت‌ها:
- استعاره (بیت «د»): بوی محبّت (اضافه‌ی استعاری)، رخساره مانند جارویی برای زُفتن  
کنایه (بیت «ه»): از دایره بیرون کردن کنایه از راندن از خود / سر بر خطّ فرمان داشتن کنایه از اطاعت محض  
حسن‌آمیزی (بیت «ج»): شنیدن بو  
جناس (بیت «الف»): کوی، بوی (ناقص)  
تناقض (بیت «ب»): غریب شهر خود بودن
- ۱۱- (۱) آرایه‌های گزینه‌ی (۱): کنایه: ز دست دادن کنایه از بی‌بهرگی / استعاره: ره (راه) استعاره از عشق
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۲) جناس: — / استعاره: —  
۳) اغراق: این‌که هر شب‌نم مانند دریایی از آتش باشد. / اسلوب معادله: —  
۴) حسن‌آمیزی: — / تشخیص: جان‌بخشی به چنگ



۱۲- (۲) تو خود وصال دگر بودی  
بدل

۱۳- (۲) اسرار دل سوخته (صفت مضاف‌الیه)  
بررسی سایر گزینه‌ها:

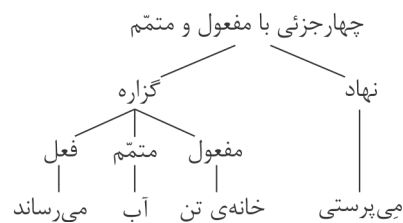
(۱) نشان در میخانه (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)  
(۴) طلب آب رخ (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

۱۴- (۳) سالانه (سال + انه) - بچگانه (بچه + انه) - جانانه (جان + انه) - شبانه (شب + انه): اسم + انه  
بررسی سایر گزینه‌ها:

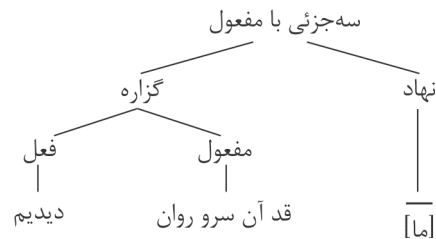
(۱) ناخلف - نامنظم: نا + صفت / ناگذر - ناتوان: نا + بن فعل  
(۴) آلودگی - همیشگی - پیوستگی: صفت + ی / خانگی: اسم + ی

۱۵- (۴) بررسی جمله‌ها:

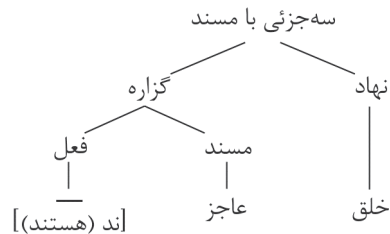
(الف) می پرستی می‌رساند خانه‌ی تن را به آب



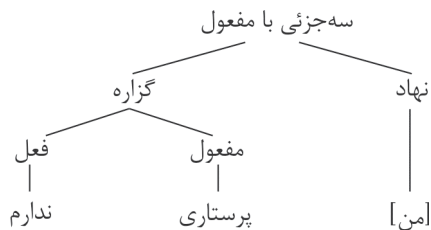
(ج) دیدیم به رفتن قد آن سرو روان را



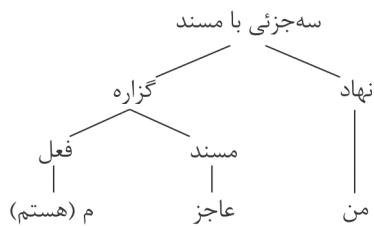
(د) خلق از شنیدنش



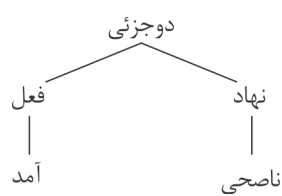
(ب) پرستاری ندارم بر سر بالین بیماری



(د) من عاجزم ز گفتن



(ه) دوش آمد ناصحی سوی ملامت‌خانه‌ام



دقت کنیم! فعل «رساندن» چهارجزئی گذرا به مفعول و متمم است، چنان که در گزینه‌ها به درستی اشاره شده. در سال‌های گذشته این فعل به غلط، سه جزئی و گذرا به مفعول گرفته شده.

۱۶- (۴) فعل «سوختن» در گزینه‌ی (۴) در معنی «سوزاندن» به کار رفته و گذرا به مفعول است.

۱۷- (۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): نهراسیدن عاشق از ملامت

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) نفی ظاهربینی در عشق (۳) نكوهش بخل و تعلقات دنیوی (۴) ضرورت مبارزه با نفس

۱۸- (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): توأم بودن افزایش سن و حرص شدن / حرص پیری

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ناکامی و بی‌بهرگی پیران از لذت دنیا (۲) از گذر عمر گریزی نیست. / نكوهش تمسخر پیران

(۴) ضرورت پرهیز از گناه در پیری

۱۹- (۱) مفهوم گزینه‌ی (۱): وفاداری عاشقانه

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: کام در خلاف آمد است.



- ۲۰- (۴) مفهوم بیت سؤال: تحمّل سختی هجران به امید وصل / ارزشمندی وصل  
مفهوم گزینه‌ی (۴): عدم تحمّل سختی هجران به امید وصل / بی‌ارزشی وصل  
مفهوم سایر گزینه‌ها:  
۱) اظهار محبت و دوستی و همدردی  
۲) ارزشمندی وجود عاشق / کمال‌بخشی عشق به عاشق  
۳) هرچه بکاری همان را درو می‌کنی.
- ۲۱- (۱) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۱): ماندگاری سخن  
مفهوم سایر گزینه‌ها:  
۲) ضرورت سخنوری در شرایط مطلوب  
۳) ادعای صحت سخن  
۴) مفهوم گزینه‌ی (۳): حاکمان خادمان ملت‌اند. / لازمه‌ی پادشاهی، مردم و همکاری و اطاعت آن‌هاست.
- ۲۲- (۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: استغنا (بی‌نیازی) عارفان  
مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): کمال‌بخشی عشق  
مفهوم سایر گزینه‌ها:  
۱) گله از بی‌مهری و بی‌وفایی یار (۲) استغنا  
۲) فقر عارفانه / قناعت و مناعت طبع  
۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): رهایی‌ناپذیری / گریز موجب گرفتاری بیش‌تر است.
- ۲۳- (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): کمال‌بخشی عشق  
مفهوم سایر گزینه‌ها:  
۱) نکوهش غفلت  
۲) غلبه بر نفس لازمه‌ی رسیدن به اخلاص است.  
۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): رهایی‌ناپذیری / گریز موجب گرفتاری بیش‌تر است.
- ۲۴- (۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): رهایی‌ناپذیری / گریز موجب گرفتاری بیش‌تر است.  
مفهوم سایر گزینه‌ها:  
۱) نکوهش غفلت  
۲) غلبه بر نفس لازمه‌ی رسیدن به اخلاص است.  
۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): رهایی‌ناپذیری / گریز موجب گرفتاری بیش‌تر است.
- ۲۵- (۴) مفهوم گزینه‌ی (۴): قدمت و دیرینگی جهان  
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: بی‌اعتباری وجود انسان / حتمی بودن مرگ

## زبان عربی

- ۲۶- (۴) کلمات کلیدی: أن تترك: که شریک قرار دهی / ليس لك به علم: بدان آگاه نیستی / لا تُطعهما: از آنان اطاعت مکن  
بررسی کلیدها در گزینه‌ها:  
ليس لك به علم: بدان آگاه نیستی (بدان علم نداری) [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]  
لا تُطعهما: از آنان اطاعت نکن؛ فعل نهی است [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]  
دقت کنید: «إن جاهدك» به معنای «اگر با تو بجنگند» است که در هیچ‌یک از گزینه‌ها به درستی ترجمه نشده است.  
کلمات کلیدی: إن تكن ... تَر: اگر باشد ... می‌بینی / أخطاء: خطاها / صغيرة: کوچک / هذا الأمر: این امر  
بررسی کلیدها در گزینه‌ها:  
إن تكن ... تَر: اگر باشد ... می‌بینی؛ جمله شرط است؛ فعل شرط به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]  
صغيرة: کوچک؛ اسم تفضیل نیست. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]
- ۲۸- (۱) کلمات کلیدی: لاتكن: مباش / تعلم الأطفال: کودکان (بچه‌ها) را آموزش می‌دهی / تُبعدهم عنك: آن‌ها را از تو دور می‌کند  
بررسی کلیدها در گزینه‌ها:  
لاتكن: مباش (مباش)؛ فعل نهی مخاطب است. [رد سایر گزینه‌ها]  
تعلم الأطفال: بچه‌ها را آموزش می‌دهی؛ «تعلم» در باب تفعیل به معنای «آموزش می‌دهی (می‌آموزی)» است. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]  
تبعدهم عنك: آن‌ها را از تو دور می‌کند؛ «از تو» باید در ترجمه ذکر شود. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]
- ۲۹- (۳) کلمات کلیدی: إحفظ: نگه دار / شجرة وجودك: درخت وجودت / مخضرة: سرسبز / شجرة البرتقال التي: درخت پرتقالی که / حتى في الشتاء: حتی در زمستان  
بررسی کلیدها در گزینه‌ها:  
إحفظ: نگه‌دار [رد گزینه (۲)]  
شجرة وجودك: درخت وجودت [رد گزینه‌ی (۲)]  
شجرة البرتقال التي: درخت پرتقال که؛ اسم موصول خاص بعد از اسم «ال» دار به صورت «که» ترجمه می‌شود. [رد گزینه (۱)]  
حتى في الشتاء: حتی در زمستان [رد گزینه‌ی (۴)]

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) - ۳۰

(۱) إن كان لي عقلٌ: اگر عقلی داشتم؛ «کان» + لـ به معنای «داشت» است. / ما كنت أخطأت: خطا نکرده بودم؛ کان + ماضی = ماضی بعید ترجمه صحیح: اگر عقلی مثل عقل امروز داشتم، پس خطا نکرده بودم.

(۳) نعتبر: عبرت بگیریم

ترجمه صحیح: پس باید از خطاهای گذشته‌ی خود عبرت بگیریم.

(۴) نحذر: بپرهیزیم / بعض آثارها: بعضی از آثارشان

ترجمه صحیح: و همیشه از خطاها بپرهیزیم زیرا بعضی از آثارشان ویران‌کننده است.

ترجمه شعر: پس تلاشت را آغاز کن و بدان که کسی که شکار را با سپیده‌دم شروع کند، شکار می‌کند. این عبارت به تلاش زودهنگام اشاره می‌کند که با همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی (۲) از نظر مفهومی نزدیک است. گزینه‌ی (۲) به «به دام افتادن شکارچی» اشاره می‌کند.

(۲) - ۳۱

وقتی می‌گیری: عندما تأخذ؛ اولاً فعل مضارع است، ثانياً: «أخذ» ثلاثی مجرد به معنای «گرفت» است. [رد سایر گزینه‌ها]

(۳) - ۳۲

دیگران: الآخرین؛ به معنای «دیگری» است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

تا یاریشان کنی: لتساعدهم (حتی تساعدهم)؛ فعل مضارع منصوب باید باشد. [رد سایر گزینه‌های (۱) و (۲)]

(۲) - ۳۳

غرق شدگان: الغارقون (الغریقون) [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

لذات دنیوی: اللذات الدنیویة؛ ترکیب وصفی است. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

شایسته نیستند: غیرمستأهلین؛ «مستأهلین» مضاف‌الیه است و باید به صورت مجرور با اعراب فرعی «یاء» بیاید. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)] ترجمه درک مطلب:

تشترك الكائنات الحيّة (موجودات زنده مشترک هستند) بخصائص ثلاث (به سه ویژگی)؛ أولها التنفّس (اولین آن‌ها تنفس است) و ثانيها حوائجها الغريزيّة كالعطش (و دومین آن‌ها نیازهای غریزی آن‌ها است مانند تشنگی)، و أخيراً استمرار نموّها إلى نهاية حياتها (و آخری ادامه رشدشان تا پایان زندگی‌شان) و كلّ ما لا يتّصف بهذه الصفات الثلاث (و هر آن چه که با این سه ویژگی توصیف نمی‌شود) لا يعتبر كائناً حياً (موجود زنده‌ای به حساب نمی‌آید)!

ولكن لا يمنع هذا (ولی این مانع نمی‌شود) أن تكون لكلّ كائن (که هر موجودی داشته باشد) متطلّباته الخاصّة (خواسته‌های ویژه خود را)؛ فبرى أن البعض يعيش في الماء (پس می‌بینیم که برخی در آب زندگی می‌کنند) و البعض الآخر يعيش خارج الماء على اليابسة (و برخی دیگر خارج از آب بر روی خشکی زندگی می‌کنند)؛ بعض أنواع الحياة تحتاج إلى البرودة (بعضی از انواع زندگی به سرما نیاز دارند) و بعضها الآخر إلى الحرارة (و برخی دیگر از آن‌ها به گرما)، قسم من المخلوقات (قسمتی از مخلوقات) يتغذّى بالنبات (با گیاه تغذیه می‌کنند) و الآخر بالحيوان (و دیگری با حیوان) و الثالث يأكل من جميعها! (و سومین (آن‌ها) از همه آن‌ها می‌خورد)؛ بعض الحيوانات يعيش عدّة ساعات (برخی از حیوانات چند ساعت زندگی می‌کنند) و الآخر عدّة سنواتٍ (و (برخی) دیگر چند سال). فالأشجار تعيش أكثر من أيّ شيءٍ آخر (پس درختان بیش‌تر از هر چیز دیگر زندگی می‌کنند). فالإنسان في هذا المجال (پس انسان در این زمینه) و بفضل التقدّمات الطّبيّة (و به برکت پیشرفت‌های پزشکی) و العنايةات الصحيّة (و توجّهات بهداشتی) يعيش الآن أكثر بكثير بالنسبة إلى الماضي (اکنون بسیار بیش‌تر نسبت به گذشته زندگی می‌کند)!

معنای کلمات این متن:

۱- الكائنات: موجودات	۲- الحيّة: زنده	۳- خصائص: خصوصیات (ویژگی‌ها)	۴- أخيراً: آخری
۵- استمرار: ادامه	۶- نموّ: رشد	۷- اليابسة: خشکی	۸- البرودة: سرما
۹- يتغذّى: تغذیه می‌کند	۱۰- أيّ شيءٍ: هر چیزی	۱۱- عدّة: چند	۱۲- المجال: زمینه
۱۳- التقدّمات: پیشرفت‌ها	۱۴- الطّبيّة: پزشکی	۱۵- العنايةات: توجّهات	

(۴) - ۳۴

هر موجودی در وجودش احساس ..... نمی‌کند، پس موجودی زنده نیست!

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۱) رشد (۲) گرسنگی (۳) ادامه رشد (۴) اندازه عمرش

توضیح: ویژگی‌های سه‌گانه موجودات زنده: نفس کشیدن، نیازهای غریزی و ادامه رشد هست.

..... جزئی از ویژگی‌های مشترک موجود زنده نیست!

(۱) - ۳۵

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۱) مکان زندگی (۲) مرگ و زندگی (۳) نیاز به غذا (۴) نیاز به هوا

توضیح: با توجه به متن جزو ویژگی‌های سه‌گانه مکان زندگی نبود.



ترجمه‌ی گزینه‌ها: (۲) - ۳۶

- (۱) عمر حیوانات مساوی با عمر گیاهان نمی‌باشد.
  - (۲) کم‌ترین زمانی که موجود زنده زندگی می‌کند، همان یک روز است.
  - (۳) توجهات بهداشتی و پایبندی به آن‌ها سبب می‌شود که آفریده بیش‌تر زندگی کند.
  - (۴) وجود ابتدا و پایان در زندگی از ویژگی‌های مشترک میان مخلوقات است!
- توضیح: با توجه به پاراگراف آخر متن عمر گیاهان بیش‌تر از باقی است.
- کدام گزینه خطاست: مواردی که در متن به ترتیب آمده است عبارت است از ..... (۳) - ۳۷

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

- (۱) نیازهای غریزی، عمر گیاهان، عمر انسان
  - (۲) زندگی در آب، عمر درختان، کارهای بهداشتی
  - (۳) تکامل، تغذیه، سرما و گرما نزد حیوانات
  - (۴) صفات مشترک، ویژگی‌های خاص، عمر موجودات
- توضیح: اصلاً در مورد تکامل سخنی در متن نیامده است.

حرکت‌گذاری کامل عبارت: «نَرَى أَنَّ الْبَعْضَ يَعِيشُ فِي الْمَاءِ وَالْبَعْضُ الْآخَرَ يَعِيشُ خَارِجَ الْمَاءِ عَلَى الْيَابَسَةِ.» (۲) - ۳۸

يعيش ← يعيش (فعل مضارع مرفوع است زیرا هیچ‌یک از ادوات ناصبه بر سر آن نیامده است.)

حرکت‌گذاری کامل عبارت: «الإنسانُ يَفْضِلُ التَّقَدِّمَاتِ الطَّيِّبَةِ يَعِيشُ الْآنَ أَكْثَرَ بِكَثِيرٍ بِالنَّسْبَةِ إِلَى الْمَاضِي.» (۴) - ۳۹

فضل ← فضل (مضاف تنوین نمی‌گیرد.)

التَّقَدِّمَاتِ ← التَّقَدِّمَاتِ (مضاف‌الیه و مجرور است.)

دلایل رد سایر گزینه‌ها: (۳) - ۴۰

- (۱) فاعله ضمير «هو» المستتر ← فاعله «هذا»
- (۲) فاعله ضمير «هو» المستتر ← فاعله «هذا»
- (۴) لازم ← متعدّد / مبني ← معرب / خبر ← ليس خبراً

دلایل رد سایر گزینه‌ها: (۱) - ۴۱

- (۲) مبني ← معرب
- (۳) متعدّد ← لازم
- (۴) مرجعه «المخلوقات» ← مرجعه «قسم»

دلایل رد سایر گزینه‌ها: (۱) - ۴۲

- (۲) نكرة ← معرّف بالاضافة / خبر مفرد و مرفوع ← ظرف و منصوب (۳) اسم مكان ← اسم فاعل / نكرة ← معرّف بالاضافة
- (۴) ممنوع من الصرف ← منصرف

الساحة العلمیة الآتی ← الساحة العلمیة الآتی («الساحة العلمیة» مفرد مؤنث است پس اسم موصول خاص آن باید مفرد مؤنث بیاید.) (۱) - ۴۳

لم ترجو ← لم ترج (فعل مضارع مجزوم و معتل ناقص در صیغه‌های بدون ضمیر بارز، حرف عله‌ی آن حذف می‌شود.) (۱) - ۴۴

بررسی گزینه‌ها: (۱) - ۴۵

(۱) يُؤَيِّدُ ← مضارع مجهول از باب تفعیل

ترجمه: همانا سخن بیپوده هیچ‌گاه تأیید نمی‌شود!

(۲) لَا يُشْرِكُ ← مضارع معلوم از باب افعال

ترجمه: مؤمن آن‌چه را که بدان علم ندارد با پروردگارش شریک نمی‌کند.

(۳) سَلَبُوا: ماضی معلوم

ترجمه: مجاهدان قدرت دشمنان‌شان را سلب کردند.

(۴) لَنْ يُدْرِكُوا: مضارع منصوب و معلوم از باب افعال

ترجمه: مردم نقشه‌ی شیطان را در زندگی‌شان درک نخواهند کرد.

ستصبحين: فعل ناقصه و اسم آن ضمير بارز «يا» / بطلّة: خبر فعل ناقصه و منصوب (پس اسم و خبر به ترتیب آمده‌اند.) (۳) - ۴۶

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) عند المَعْلَمِ: خبر مقدم «ليس» / أَوْرَأَى: اسم مؤخر

(۲) في يد: خبر مقدم «لم يكن» / ما: اسم مؤخر

(۴) لهذا: خبر مقدم «ما كانت» / محاولةً: اسم مؤخر

لا ترج ← لاى نهی است زیرا فعل بعد از آن مجزوم به حذف حرف عله است. (۴) - ۴۷

ترجمه: از کسی که نفسش را کوچک کرد و به آن (نفس) اهانت کرد، امید خیر نداشته باش.